گزارش تحلیلی «شهروند» از فعالیت‌های پرطرفدار و هنجارشکن بعضی کاربران شبکه‌های اجتماعی در ایران که گاه سروصدای زیادی به پا می‌کند

طرفدار ابتذال، هوادار پیش‌پاافتادگی

«امیرحسین جلالی»، روانپزشک: درجه گرایش جامعه به ابتذال به درجه نگران‌کننده‌ای رسیده است، این مسائل نشان می‌دهد ما تا چه حدی دچار پیش‌پاافتادگی هستیم

ناصر قاسم زاده، دبیر انجمن حمایت از سلامت و بهداشت روان: آمارها از هشت‌میلیون و ۸۰۰هزار بی‌سواد مطلق و ۱۱میلیون کم‌سواد در کشور می‌گویند که خود در روی آوردن افراد عامه به صفحه‌های بی‌محتوا تاثیرگذار است

لیلا مهداد – شهروند| عصر یک روز بهاری بود که خبرش همه جا را پر کرد: «نسیم نجفی‌اقدم، یکی از کاربران معروف و ایرانی در شبکه‌های اجتماعی برای اعتراض به سانسور ویدیوهایش به ساختمان مرکزی یوتیوب در آمریکا رفته، به چند نفر تیراندازی کرده و در آخر خودش را کشته است.»

«نسیم نجفی‌اقدم»، یکی از کاربران «معمولی» فضای مجازی ایران بود که تعداد زیادی از افراد، او را دنبال می‌کردند، پست‌هایش را لایک می‌کردند، نظرات مختلف برایش می‌نوشتند و البته بیشتر وقت‌ها به او بد و بیراه می‌گفتند؛ نمونه‌اش؟ «نسیم پس کی می‌میری؟»

نسیم نجفی حالا مرده و خبر حمله مسلحانه و خودکشی‌اش از تب‌وتاب افتاده است. «بچه معروفهای» اینستاگرام اما هنوز مشغول کارند؛ کسانی که با تعداد بالای دنبال‌کننده، روزبه‌روز مشهورتر می‌شوند و عکس‌ها و فیلم‌هایشان دست به دست. کاربران شبکه‌های اجتماعی در ایران، «سلبریتی‌های معمولی» را دو دسته می‌کنند: آنها که هنری دارند، آواز می‌خوانند، آرایشگرند، مدل‌اند و... و آدم‌ها را لحظه به لحظه با فعالیت‌های مختلف مجازی در زندگی‌شان شریک می‌کنند و آنها که «هیچ‌اند.»؛ یعنی در دسته دوم از هنر یا فعالیت خیرخواهانه یا آنچه بشود اسمش را گذاشت یک فعالیت مفید، خبری نیست. آنها «معمولی‌هایی»اند که تعداد زیادی از ایرانی‌ها اوقات فراغتشان را با دنبال‌کردن آنها و خندیدن به ادا و اصول‌هایشان پر می‌کنند و آخر با گفتن یک «دیوانه» به آنها به سراغ نفر بعدی می‌روند.

بعد از ماجرای پربازتاب «نسیم نجفی‌اقدم» که خیلی‌ها او را جزو دسته دوم می‌دانند، دوباره بحث بر سر چرایی دنبال‌شدن این دسته از سلبریتی‌های ایرانی داغ شده؛ این‌که چه می‌شود با وجود محرزبودن بعضی مشکلات شخصیتی و روحی، این همه آدم آنها را دوست دارند، لایک می‌کنند و حتی بر سرشان با هم دعوا می‌کنند. حالا تعدادی از جامعه‌شناسان و روانشناسان بر این باورند، می‌شود وضعیت جامعه کنونی و نیازهای نسل جدید را در این صفحات و کامنت‌ها جست‌وجو کرد؛ صفحاتی با چندمیلیون فالوور که گاهی با بحث‌هایی به اصطلاح داغ در تاثیرگذاری از نشریات و رسانه‌ها پیشی می‌گیرند، به‌طوری که شمار هوادارانشان با مضرب ۲ یا ۳ افزایش را تجربه می‌کند. بحث تا جایی بالا گرفته که اخیرا تعدادی از افراد برای مقابله با چنین پدیده‌ای کمپین‌هایی را نیز راه‌اندازی کرده‌اند: «احمق‌ها را معروف نکنیم». کمپینی که از کشورهای غربی شروع شد و در ایران هم به شهرت رسید اما آنطور که انتظار می‌رفت، نتوانست کاری از پیش ببرد، چون هنوز اینستاگرام محل جولان این سلبریتی‌هاست و جوانانی که با لایک‌کردن و کامنت‌گذاشتن سرگرمی جدیدی یافته‌اند.

> **ناصر قاسم زاده، دبیر انجمن حمایت از سلامت و بهداشت روان: فردی که هنجاری را می‌شکند و خط‌قرمزی را نادیده می‌گیرد لزوما از سلامت روانی برخوردار نیست اگرچه صدها هزار نفر نیز دنبال‌کننده داشته باشد**

فضایی برای ترمیم جراحت‌های خودشیفتگی

دنیای مجازی حالا بخشی از زندگی بشر شده و گاهی‌اوقات پا را فراتر گذاشته و نمی‌توان بخش مجازی و حقیقی را از هم تفکیک کرد؛ دنیایی که بخشی از آن را سلبریتی‌های مجازی تشکیل می‌دهند و بخشی دیگر را دنبال‌کنندگان. حقیقتی که نمی‌توان آن را انکار کرد، چون آمارها نیز با اعداد و ارقام مختلف آن را نشان می‌دهند و از پیوستن یک‌میلیارد نفر به اینستاگرام تا ۲۰۱۸ می‌گویند. عددی که بخشی از آنها بی‌شک دنبال‌کننده صفحات بی‌محتوا خواهند بود؛ مسأله‌ای که «امیرحسین جلالی»، روانپزشک در مورد آن به «شهروند» چنین می‌گوید: «در بررسی و واکاوی چنین مسأله‌ای باید دو گروه را در نظر گرفت؛ شخصی که رفتارهایی را بروز می‌دهد و دومی مردمی که به این رفتارها اقبال نشان می‌دهند. مشکل اصلی گروه اول در حقیقت ضربه و جراحتی است که خودشیفتگی‌شان دیده شده است. همه افراد از اعتمادبه‌نفس برخوردارند و این اعتمادبه‌نفس در حقیقت خودشیفتگی غیربیمارگونه ماست. در واقع خودشیفتگی برای عزت‌نفس، برای داشتن یکسری اهداف نیاز است که در محیط تربیتی‌مان شکل می‌گیرد اما زمانی وجود دارد که فرد در محیط زندگی‌اش از توجه کافی برخوردار نیست؛ منظور دوران کودکی است. زمانی که محیط رشدش، محیط غنی‌ای نیست و پر است از تحقیر، سرکوب و ندیده‌گرفتن و ما افراد برای غلبه بر آن به روش‌های دفاعی رو می‌آوریم. در واقع در نگرش خودشیفتگی، فرد دچار تصوری خودخواهانه یا منیت و توانایی بالاست تا به واسطه آن، تحقیر درونی خود را از بین ببرد. واقعیت امر این است که ما در یکسری رفتارهای فضای مجازی امروزی شاهد شکل امروزی‌شده پاتولوژی‌ها و آسیب‌های خودشیفتگی افراد هستیم.» او ادامه می‌دهد: «آدم‌های خودشیفته در طول تاریخ وجود داشته‌اند و در آینده هم وجود خواهند داشت اما تکنولوژی و فضای اطلاعاتی جدید امکانی را برای این افراد به وجود آورده تا این اشخاص بتوانند به شکل‌های مختلفی خود را بروز بدهند.

درحقیقت می‌توان عنوان کرد این پدیده‌ای نیست که محصول فضای مجازی باشد.» جلالی بر این باور است که فضای مجازی و دنبال‌کنندگان به این افراد پروبال می‌دهند تا به شکل تند و زننده‌ای رفتارهایی را به نمایش بگذارند: «نسیم نجفی بی‌شک قبل از اینکه در فضای مجازی به یک سلبریتی بدل شود با مشکلاتی دست‌به‌گریبان بوده اما مسأله قابل تأمل این است که فضای مجازی فوق‌العاده وهم‌انگیز است و افراد را دچار هذیان و وهم می‌کند. دچار اینکه آنچه می‌گذرد به‌واقع حقیقت دارد. درواقع افرادی که خواهان دیده شدن و در صدر قرار گرفتن بودند حالا مخاطب پیدا کرده‌اند. افرادی که نه والدینشان شنونده بودند و نه محیط اجتماعی‌شان. آنها حالا خود را در فضایی می‌بینند که فوق‌العاده شنونده دارد. حرف‌هایشان بحث‌برانگیز می‌شود. واقعیت امر این است که ما در فضای مجازی جدید امکاناتی را در اختیار این افراد گذاشته‌ایم البته بستن و محدودکردن نیز راه‌حل درستی برای مقابله با آن نیست چون نمی‌توان از چنین فضایی صرف‌نظر کرد و در شرایط کنونی همه زندگی ما بر بستر وب شکل گرفته است.» به گفته این روانپزشک: «روزی اگر وب نباشد تمام مبادلات پولی، اجتماعی و علمی تعطیل می‌شود؛ اگرچه بخشی از آنها نیز بر بستر فضاهای مجازی است. به همین‌منظور فراگرفتن ادب و آداب به کار بردن آن اهمیت می‌یابد.» جلالی معتقد است چنین رفتارهایی در فضای مجازی تنها مختص ایران نیست و در همه‌جای دنیا شاهد ماجراهایی از این جنس هستیم: «ماجراهایی که گاهی به کشتار نیز ختم می‌شود. نکته دیگر به روانشناسی مخاطبان این صفحات برمی‌گردد. بسیاری از کارها را ما نمی‌توانیم انجام دهیم اما برای کسی که جرأت انجام آن را دارد هورا می‌کشیم. درواقع ما این‌گونه خود را در آینه او می‌بینیم. اگرچه همین موضوع نیز جای نگرانی دارد چون این سبک‌وسیاق درست نیست و افراد فعال در این صفحات گروهی از افراد را با خود همراه می‌کنند؛ افرادی که گویی درد مشترک با آنها دارند. دردی که به لحاظ اجتماعی باید بررسی و واکاوی شود. یکی از نکات قابل تأمل این است که درجه گرایش جامعه به ابتذال به درجه نگران‌کننده‌ای رسیده است. واقعیت این است که بخشی از این پیگیری‌ها اصلا جدی نیست اما این نکته را گوشزد می‌کند که ما تا چه حدی دچار پیش‌پاافتادگی هستیم چون به‌جای اینکه کمی به‌دنبال پیگیری مسایل جدی باشیم مخاطب مزخرفات می‌شویم.»

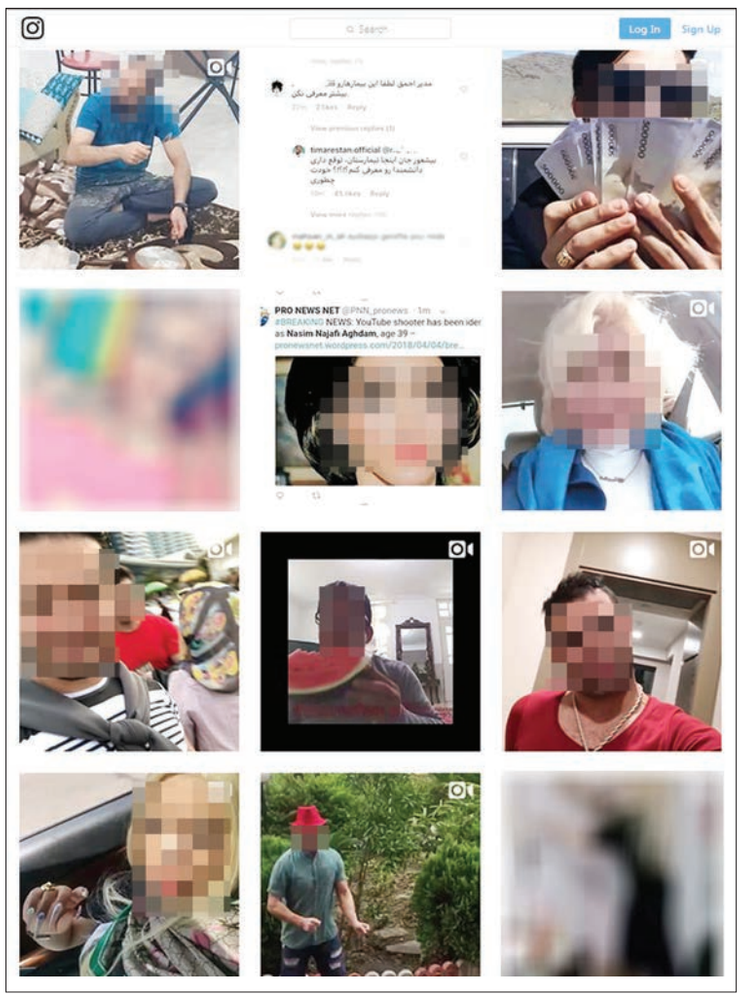

الگوسازی متناسب با زندگی صنعتی، اجتماعی و اقتصادی نداشته‌ایم

الگوسازی در مباحث اجتماعی و فاکتورهای مرتبط با آن نکته‌ای غیرقابل انکار است و می‌توان گفت گریزی از آن نیست. واقعیتی که طول عمری به اندازه جامعه بشری دارد و بحث‌های مختلفی را به خود اختصاص داده است؛ مسأله‌ای که «ناصر قاسم‌زاده»، دبیر انجمن حمایت از سلامت و بهداشت روان درباره آن به «شهروند» می‌گوید: «فضای مجازی واقعیت جامعه امروزی است و مردم به باورهای فرهنگی علاقه‌مندند. واقعیت این است که تکلیف جامعه با این فضا هنوز مشخص نیست چون عامه مردم به آن علاقه‌مندند اما در بخش اجرایی و تصمیم‌گیری اقبالی برای آن وجود ندارد و حتی در محدود شدن آن نیز صحبت‌هایی به میان می‌آید و این برمی‌گردد به اینکه ما در حوزه اجتماعی و روانی برنامه‌ریزی نداشته‌ایم. ما مانند این مسائل بسیار داریم؛ توییتر، ماهواره و ... هرچند پذیرفته‌شده‌اند اما هنوز از گنگ بودن رنج می‌برند.

ما علاقه‌مندی را به وجود می‌آوریم تا به روی آوردن بیمارگونه افراد به این مسأله دامن بزنیم و در این میان مخالفت و ممنوعیت و محدود کردن اقبال بیشتری را به وجود می‌آورد و این در حالی است که بشر امروزی ارتباطات فیزیکال خود را کاهش داده و در کمترین زمان در همین فضا ارتباطاتش را برقرار می‌کند.» او معتقد است: «واقعیت این است که بخش عمده‌ای از جهان امروزی را جهان مجازی تشکیل داده و درواقع لاجرم بخشی از زندگی روزمره افراد را در جهان پیشرفته رقم می‌زند. طبیعتا بخش عمده‌ای از افرادی که به این فضا و ارتباطات اقبال دارند، جوانانند و متاسفانه ما در بخش جوانان نیز برنامه‌ریزی صحیحی برای داشتن الگوهایی که باعث رشد و یاری‌رساندن آنها در زندگی صنعتی، اجتماعی و اقتصادی امروزی‌شان باشد، نداریم یعنی ناخواسته جوان ما در شرق زندگی می‌کند اما با الگوی غرب. با امکان و ابزار غربی و با فرهنگی که آنها دارند ما ناخواسته عجین می‌شویم.» قاسم‌زاده ادامه می‌دهد: «ما در الگوسازی‌های ضعیف عمل می‌کنیم. در یک الگوسازی‌های دم‌دستی متاسفانه حرفی برای گفتن نداریم. در بحث هنر، موسیقی، سینما، خیلی از مسائل لاینحل باقی مانده است و این در حالی است که آمارها میزان کم‌سوادها و بی‌سوادها را به رخ می‌کشند و از ۸میلیون و ۸۰۰هزار بی‌سواد مطلق و ۱۱میلیون کم‌سواد در کشور می‌گویند که خود در روی آوردن افراد عامه به صفحه‌های بی‌محتوا تاثیرگذار است.» دبیر انجمن حمایت از سلامت و بهداشت روان می‌گوید؛ نمی‌شود در جهان صنعتی امروز زندگی کنیم و برای بسیاری از مسائل جواب نداشته باشیم: «آمارهای مربوط به بی یا کم سوادی یک آماده‌باش برای یکسری آسیب‌های اجتماعی و موارد غیرهنجاری مانند سلبریتی‌های فضای مجازی گوشزد می‌کند. واقعیت جهان امروز این است که پایین بودن آگاهی یعنی آماده بودن برای استفاده از خوراکی که اینگونه فضاها ارایه می‌دهند. خوراکی که از محتوا تهی است و توسط بیمارانی که شناخته نمی‌شوند تامین می‌شوند و ادامه بیماری‌شان گاهی منجر به رفتارهای مبتذل یا خشونت‌آمیز می‌شود. خانم نجفی یکی از نمونه‌های بارز است که بارها در فیلم‌ها و صحبت‌هایش از زخم‌هایش گفته بود اینکه نیازمند گوش شنوا و دست یاری‌رسانی است؛ گوش شنوایی که به او کمک کند، آگاهش کند، البته مخاطبان این افراد نیز باید تا حدودی مراقب بهداشت روان خود باشند. یعنی ما تعریف نداریم مبنی بر اینکه فردی که هنجاری را می‌شکند و خط‌قرمزی را نادیده می‌گیرد از سلامت برخوردار است اگرچه صدهاهزار نفر نیز دنبال‌کننده داشته باشد. به احتمال قوی افرادی که با این شخص همسویی دارند و همنوازی می‌کنند در جاتی از گمگشتگی‌ها و مشکلات را با خود یدک می‌کشند که آن فرد را نمادی از خود می‌بینند. دو گروهی که در مجموع رفتارهای‌شان ثابت می‌کند جامعه از بیماری یا ناهنجاری‌ای رنج می‌برد؛ حسی از تنهایی، غم طردشدگی و دیده‌نشدن.»

کم‌کاری رسانه ملی و فرصت‌طلبی فضای مجازی

نیره توکلی | جامعه‌شناس

رسانه ملی با داشتن امکانات و ابزار موردنظر به‌ندرت توانسته برنامه‌ای ارایه بدهد که با شهروندان امروزی غرابتی داشته باشد. به‌واقع با وجود امکانات ما هنوز نتوانسته‌ایم از معیار هنر، توانایی دانش و استعداد چیزی بگوییم و به همین دلیل است که هر چیزی بدون سنجیده‌شدن معیارهای زیباشناسی، تفکر، استعداد و... و صرفا به دلیل شجاعت، تازه‌بودن یا مطرح‌شدن، سلبریتی‌سازی می‌شود و در این میان سهم فضای مجازی و اینستاگرام بیش از سایرین است. دیده‌نشدن و بی‌توجهی به چهره‌های مختلف در حوزه‌های گوناگون نیز به این مسأله دامن زده و متاسفانه می‌توان اذعان کرد سلیقه جامعه مشکل یافته است. پایین‌بودن سطح مطالعه جامعه در این موضوع بی‌تأثیر نیست؛ ما در تشویق به مطالعه و کتاب‌خوانی کوتاهی کرده‌ایم، در حالی که در کشوری مانند اتریش دیده می‌شود در میادین عمومی شهر گروهی از افراد جمع می‌شوند و نویسنده‌ای کتاب‌هایش را برایشان می‌خواند تا افراد برای خرید کتاب ترغیب شوند. ما چنین امکاناتی را بسیار کم داریم، چون برای برنامه‌های فرهنگی اصیل تبلیغات فراوانی وجود دارد که از آنها بهره نمی‌بریم. درواقع پایین‌بودن سرانه مطالعه سبب شده مردم آسان‌گیر شوند و برای همین تصاویر در صفحات مجازی لایک بیشتری را نصیب خود می‌کنند تا مطالب نوشتاری، به‌ویژه اگر مطالب جدی‌تر باشند و نیازمند تفکر و زمان بیشتر. یکی از ویژگی‌های فضای مجازی سهولت در ارتباط‌گیری با افراد است و آنها را بیشتر ترغیب می‌کند، شاید حفظ روابط دنیای واقعی به این مسأله کمک کند که افراد بیشتر با دنیای واقعی و مسائل مختص به آن درگیر شوند، اگرچه با گستردگی فضای مجازی این امر کمی سخت به‌نظر می‌رسد، اما غیرممکن نیست و می‌توان با گسترش مهارت‌های اجتماعی و تغییر در سلامت روانی، خود را از دنیای عددها جدا کرد. آسان‌گیری شهروندان سبب شده در فضای مجازی بیشترین جذابیت نصیب افرادی شود که زندگی خصوصی خود را به نمایش می‌گذارند، چه به‌صورت فیزیکی یا مسابقه برای نشان‌دادن زیبایی، البته نمی‌توان به‌راحتی همه این افراد را خودشیفته نامید، تا زمانی که ریشه‌ها و دلایل اصلی را بیابیم. یکی دیگر از واقعیت‌ها بی‌کسی افراد است که به دنیای مجازی پناه می‌آورند، چون در جای دیگری از آنها حمایت نمی‌شود نمی‌توانیم بگوییم خودشیفته هستند، زیرا تنها آنها آموخته‌اند در این شبکه‌ها که هدایت‌شده به این سمت است، آن هم به دلیلی که نیازمند ریشه‌یابی‌اند، این‌گونه رفتار کنند. با این اوصاف و با در نظر گرفتن اهمیت سلامت و بهداشت روان جامعه به نظر می‌رسد متولیان امر باید مصمم‌تر از گذشته به این مسأله ورود پیدا کرده و با پرداختن به لایحه سلامت روان، جامعه را از داشتن پشتوانه‌های قانونی و بسترهای بهداشتی و درمانی برخوردار کنند.

جدول شماره ۱۳۷۷

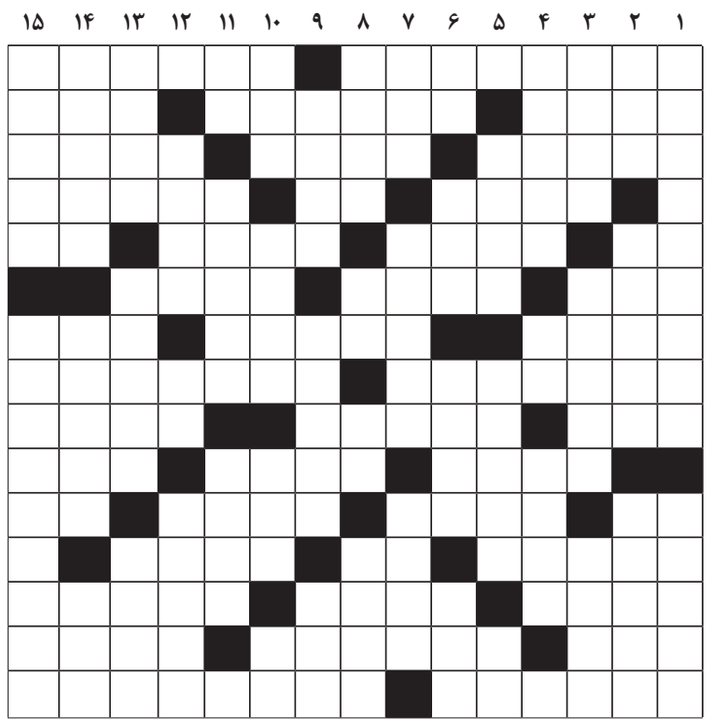

افقی

۱- دم‌سنج- سرمربی میلان ایتالیا
۲- کشتی ژاپنی- بسیار ستمگر و بی‌رحم- هماهنگ
۳- رغبت، علاقه- از کلمات سوالی- درختی همیشه سبز و زینتی
۴- بدهکار- معاون فراری هیتلر- پسر کورش
۵- دریا- غلاف شمشیر- به هم ریخته محل اسکان- انبار کشتی
۶- کشور آفریقایی- انگور خشک شده- تکیه کلام حاجیان
۷- از ماهیان خزری- لاستیک اضافی- تصدیق عامیانه
۸- تیمی معتبر در فوتبال اسپانیا- مستحب دانستن
۹- پلیس فضای مجازی- مثل- بازیکن بنام هلندی بایرن مونیخ
۱۰- فیلم رامبد جوان- راه برون‌شهری- میوه پرخاصیت
۱۱- بالای فرنگی- از آتش‌زنه‌ها- نظر می‌کند به وجه‌الله- تو و میان چیزی
۱۲- پرنده کوکو- نیم‌صدای سگ- ورم
۱۳- آنزیم مبدل شیر به پنیر- سخن زشت- مؤسس سلسله ایلخانی
۱۴- وفای به عهد- نام اصلی چنگیز- شاعر شعر شمع و پروانه
۱۵- در آیین زردشتی ایزد موکل بر زمین است- اثری به قلم ویلیام فاکنر

عمودی

۱- ستاره سابق بلغارستان و بارسای اسپانیا- تقسیم ملک مشاع بین مالکان
۲- عدد ترتیبی- آنچه از بین رفته است- خرس زیبای چینی
۳- مرهم زخم- راهرو- شاعر نیشابوری
۴- جنین- هرگز عرب- بیان‌کردن
۵- پست و فرومایه- بلدرچین- حرف فاصله
۶- مغز- کشتی جنگی- واحد طول غربی- درد چشم
۷- کاکل- ترازو- نوعی غذای ایرانی
۸- وسیله‌ای در آشپزخانه- به دنیا آوردن- وسیله برش
۹- رسم‌کننده- مزد و اجر- شیرینی تولد
۱۰- واحد بازی والیبال- اتاق درس- زیرکی- بوی ماندگی
۱۱- حرص و طمع- کوچه سربسته- هیزم
۱۲- رئیس‌جمهوری دربند مصر- آزاده کربلا- نهمین شهر بزرگ آمریکا
۱۳- هستی- خواب وحشتناک- سازمان هواپیمایی ارتش
۱۴- شهری در سوییس- نخستین مقتول بشریت- تیم فوتبالی در آلمان
۱۵- نوزدهمین شاه ایران از خاندان اشکانی- محدث و فقیه شیعی قرن چهارم ملقب به شیخ صدوق

حل جدول شماره ۱۳۷۶

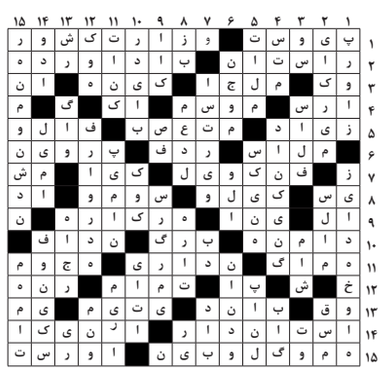

دانشگاه علوم پزشکی شاهرود

آگهی تجدید فراخوان عمومی ارزیابی کیفی نوبت چهارم

دانشگاه علوم پزشکی وخدمات بهداشتی ودرمانی شاهرود در نظر دارد : انجام خدمات آنژیو گرافی ، آنژیوپلاستی و جراحی قلب مرکز آموزشی ، پژوهشی و درمانی امام حسین (ع) را به شرکت های واجد شرایط که صلاحیت خدمات بهداشتی ودرمانی مذکور از مراجع ذیصلاح دارا می باشند در قالب مشارکت با بخش خصوصی واگذار نماید .

لذا متقاضیان محترم در صورت تمایل به همکاری می توانند جهت دریافت فرم ارزیابی از تاریخ چاپ آگهی حداکثر به مدت ۷ روز کاری به سایت دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شاهرود به آدرس : www.shmu.ac.ir مراجعه نموده و فرم ارزیابی کیفی به منظور انجام خدمات موضوع فراخوان را دریافت و پس از تکمیل در مهلت تعیین شده به همراه مستندات مربوطه به مدیریت امور پشتیبانی و رفاهی دانشگاه واقع در شاهرود : شهرک البرز- خیابان شیخ فضل ا... نوری ساختمان البرز دانشگاه علوم پزشکی تحویل و رسید دریافت کنند . ضمنا پیشنهادات ارسالی در فراخوان های قبلی مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت و نیاز به ارسال مجدد آن نمیباشد .

* بدیهی است مسئولیت اصالت و صحت مستندات به عهده شرکت ها می باشد .

روابط عمومی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شاهرود

م/الف ۱۹۳